



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

خوشامد عرض میکنم به آقایان محترم، برادران عزیز؛ و متشکرم از گزارشی که جناب آقای جنتی و جناب آقای شاهرودی بیان فرمودند و از زحماتی که اعضا و حضرات - هیئت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌ها و اعضای کمیسیون‌ها - در طول سال کشیدند؛ بخصوص این قضیه‌ی «هیئت اندیشه‌ورز» (۱) و این هم‌تنی که شما کردید؛ بعد از آنکه ان شاء الله [کار] این هیئت شروع شد و راه افتاد، آن وقت بتدریج، هم منافعش آشکار خواهد شد، هم مشکلات و دشواری‌ها و کار بزرگی که در این هیئت باید انجام بگیرد روشن خواهد شد. طلب رحمت و مغفرت میکنیم برای مرحوم آقای شاه‌آبادی (۲) (رضوان الله تعالی علیه) و یاد ایشان را گرامی میداریم. ایشان در میان فرزندان مرحوم آیت الله العظمی آقای شاه‌آبادی جزو آن فرزندان بودند که با امام راحل روابط نزدیک و صمیمی و مهربانانه‌ای داشتند که امام نسبت به چند نفرشان - از جمله ایشان - نگاه پدران و نزدیکی داشتند و خود ایشان هم انصافاً، هم از لحاظ روحیه، هم از لحاظ برخورد، هم از لحاظ وفاداری به انقلاب شخص برجسته‌ای بودند؛ خداوند ان شاء الله درجاتشان را عالی کند.

این اجلاس متبرک است به نام مبارک فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) که در ایام منتسب به آن بزرگوار و ولادت آن بزرگوار این اجلاس تشکیل شده؛ این را به فال نیک میگیریم؛ بعلاوه، در آستانه‌ی ماه رجب هستیم و این هم واقعاً ورود در یکی از برهه‌های مبارک دوره‌ی سال است؛ ماه رجب، ماه عبادت، ماه توسل، ماه تضرع، ماه نزدیکی به خدا، ماه استمداد از پروردگار برای برداشتن موانع.

آقایان محترم، برادران عزیز! این مجلس، در عین اینکه از لحاظ سیاسی دارای حساسیت بسیار بالایی است - زیرا که انتخاب رهبری به عهده‌ی این مجلس است؛ در مواقعی کنار گذاشتن رهبری به عهده‌ی این مجلس است؛ خیلی جایگاه سیاسی فوق‌العاده‌ای دارد - یک مجلس علمائی است؛ یعنی علمای دین در این مجلس جمعند. این مجلس یک مظهر زنده‌ای است از آمیختگی دین و سیاست؛ علمای دینی، در جایگاه عالم دینی به یک کار بزرگ سیاسی هم میپردازند که عرض شد و در قانون اساسی ذکر شده که حالا اگر ان شاء الله آن هیئت اندیشه‌ورز و کارهای آن به وجود بیاید و دنبال بشود و رشد بکند، آن وقت توسعه‌ی فعالیتها و برکات این مجلس باز هم بیشتر خواهد شد.

امروز مطلبی که بنده عرض میکنم، ناظر به این جنبه‌ی علمائی و این جنبه‌ی دینی است؛ یک مقداری راجع به این بخش و در حوزه و چهارچوب این بخش میخواهم یک عریضی را خدمت آقایان عرض کنم.

مقدمه‌ی بحث این است که در اینکه جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است، کسی تردید ندارد؛ همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی در حال یک مبارزه‌ی سخت و یک مبارزه‌ی همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه‌ی سیاسی، [بلکه] در زمینه‌ی فرهنگی، در زمینه‌ی اقتصادی، در زمینه‌ی اجتماعی، در زمینه‌ی امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. [البته] جنگ نظامی و مبارزه‌ی نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و [الآن] نیست اما سخت‌تر از آن، جنگهای امنیتی است، جنگهای اقتصادی است، جنگهای فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم؛ این را هیچ کس نمیتواند انکار کند. بله، کسانی هستند که به اینکه ما در این وضعیت هستیم - در حال



جنگ هستیم - اعتراض دارند که چرا با دنیا باید ما جنگ داشته باشیم؟ کسانی هستند که معترض به این معنا هستند. تصوّر آنها این است که جمهوری اسلامی این جنگ را شروع کرده؛ لذا میگویند خب چرا ما این جور و در این وضع هستیم؟ به نظر ما این غفلت است؛ جمهوری اسلامی جنگی را با این ابعاد با دنیا شروع نکرده، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی یعنی آرمانها و اهداف و شعارهایی که در جمهوری اسلامی مطرح است - که خلاصه میشود در حکومت دین، خلاصه میشود در جامعهی دینی - دشمن درست کن است، دشمن تراش است، جنگ راه بینداز است. این همان جنگ معروف حق و باطل است که در طول تاریخ بوده؛ این چیز جدیدی هم نیست؛ هرجایی که نغمهی توحید بلند شد و عدالت مطرح شد، دشمنانی در آنجا به وجود آمدند؛ این مال امروز نیست؛ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ» فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ \* وَ لِيَتَصَغَّى إِلَيْهِ أَفِيدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ؛ (۳) ابعاض (۴) جبهه‌ی باطل با یکدیگر همکاری میکنند، یعنی هم همکاری میکنند و هم طرفدار پیدا میکنند؛ کسانی اِصْغَاء (۵) میکنند حرفهای اینها را و گوش میکنند و دنبال اینها حرکت میکنند؛ این[طور] هست. ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم، اینها است، و اینها دشمن دارد. ما با ظلم مخالفیم؛ کونا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ (۶) ما این مکتب را داریم؛ خصم ظالمیم، عون مظلومیم. این موضع، طبعاً دشمن به وجود می‌آورد، دشمنی به وجود می‌آورد، دعوا راه می‌اندازد؛ این هست.

خب، آن نکته‌ی مهم این است که در این مبارزه، پیروزی قطعاً با جبهه‌ی حق است. نه امروز، [بلکه] دیروز، امروز و فردا، هرجا چنین مبارزه‌ای به وجود بیاید، پیروزی با جبهه‌ی حق است، مشروط به چند شرط؛ [اگر] اهل حق و کسانی که طرفدار حقند، نیت کنند، همت کنند، صبر کنند، ایستادگی کنند، مبارزه کنند، بلاشک پیروز خواهند شد؛ هر جایی که این اتفاق افتاده است - از دوران دور تاریخ - این جور است. در مورد انبیا هم همین جور است؛ بله ما در انبیا هم داریم مواردی که اینها را به قتل رساندند، نابود کردند، مسخره کردند و کارهایی مانند اینها کردند، اما در خود قرآن و در روایات، مواردی را دارید که انبیا موفق شدند، مسلط شدند؛ این به خاطر همین است که شرایط تفاوت میکرد. آنجایی که طرفداران حق سستی به خرج دادند، اهمال به خرج دادند، آن جوری شده؛ آنجایی که ثبات و ایستادگی و استقامت و مبارزه و بصیرت و مانند اینها به خرج دادند، پیروز شدند؛ یعنی در طول تاریخ این جور است. امروز هم همین جور است؛ امروز هم وقتی که این حرکت، این نهضت به وسیله‌ی امام بزرگوار شروع شد، خب مردم پیروی کردند، آمدند داخل میدان؛ پیر، جوان، مرد، زن، قشرهای مختلف، جاهای مختلف وارد میدان شدند؛ از کشته شدن نترسیدند، ایستادگی کردند، پیروز شد. در جنگ هم همین جور؛ در هر جای دیگر هم که ما به اصطلاح این همت را کردیم، مسلماً پیروزی به دست آمده است. امروز هم همین جور است؛ امروز هم اگر ما به شرایط، درست عمل بکنیم، پیروزی قطعی است.

و در قرآن کریم آیاتی که این نکته‌ی قطعیت پیروزی را به ما یادآوری میکند و تعلیم میدهد و خبر میدهد، آیات زیادی است؛ از جمله آیه‌ی «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ»، (۷) آیه‌ی «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، (۸) آیه‌ی «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (۹) که در چند جا تکرار شده، اینها همه نشان‌دهنده‌ی این است. یکی از امیدبخش‌ترین آیاتی که من امروز میخواهم یک مقداری آیات آن را عرض بکنم، آیه‌ی معیت الهی است؛ «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (۱۰)، خدا با ما است. مسئله‌ی خیلی مهمی است اینکه انسان احساس کند که خدا با او است، خدا در کنار او است، خدا پشت سر او است، خدا مراقب او است؛ این خیلی چیز مهمی است! چون خدا مرکز قدرت و مرکز عزت است. وقتی خدا با یک جبهه‌ای باشد، این جبهه قطعاً و بلاشک پیروز است. حالا مثلاً ملاحظه کنید در سخت‌ترین جاها خدای متعال این معیت را به رخ اولیای خودش کشانده؛ فرض بفرماید آنجایی که حضرت موسی میگوید: وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون، در اوّل قضیه خداوند میفرماید: قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِأَيْتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ؛ (۱۱) من با شما هستم، از چه کسی



میترسید؟ این در سوره‌ی شعرا بود؛ یا در آیه‌ی دیگر که موسی و هارون میگویند: إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى، فرعون این کار را بکند، خداوند میفرماید: قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأُرَى (۱۲) ببینید چقدر این خوب است! من با شما هستم، میبینم، می‌شنوم، حواسم جمع است، مواظبتان هستم. یا در سوره‌ی مبارکه‌ی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرماید: فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَمُ أَعْمَالَكُمْ (۱۳) یعنی این معیت خدای عزوجل با مؤمنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آن وقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده‌ی صادق الهی اعتماد کردند در این آیه‌ی شریفه که «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَبُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ \* قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (۱۴) به مجرّدی که دیدند که سیاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الان است که برسد -جلویشان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون- دلها لرزید، [گفتند] «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»؛ پدرمان درآمد. اینجا حضرت موسی به اعتماد همان وعده‌ی الهی میگوید: کَلَّا؛ چنین نیست؛ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ. یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا (۱۵) به اعتماد همین وعده‌ی الهی، پیغمبر اکرم میگوید «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسی و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده‌اند و قبول کرده‌اند و به آن ترتیب اثر داده‌اند. و این یک حقیقت و یکی از سنت‌های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنت‌هایی است که «لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ (۱۶) بلاشک این همیشه هست.

خب، حالا ما می‌خواهیم این معیت را برای خودمان تأمین کنیم؛ راهش چیست؟ مهم این است. این معیت وجود دارد، اما شرط دارد؛ برای همه نیست. در قرآن چند شرط گذاشته است برای این معیت. در آخر سوره‌ی نحل [میفرماید]: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (۱۷) تقوا. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۱۸) و «وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۱۹) و «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (۲۰) و «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» (۲۱) و «وَاللَّهُ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (۲۲) در چند جای قرآن تکرار شده. ما وظیفه‌مان را از اینجا بفهمیم؛ من این را می‌خواهم عرض بکنم. هم دولت اسلامی -یعنی مسئولین دولتی، قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه- هم علما، وظیفه‌شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملت را؛ تربیت تقوایی کنند این ملت را؛ تربیت صبر، تربیت احسان بین مردم و بین مؤمنین؛ ما باید مردم را این جوری تربیت کنیم. از همه مهم‌تر دستگاه‌های دولتی هستند که با برنامه‌ریزی میتوانند این کار را انجام بدهند. ما یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش و پرورش، یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش عالی، یک دستگاه عظیمی داریم به نام صداوسیما، غیر از دستگاه‌های اختصاصی مجموعه‌ی ما. اینهایی که گفتیم، در همه‌ی دنیا همه دارند؛ یک دستگاه‌هایی هم هست که اختصاصی ما است، مثل ائمه‌ی جمعه و جماعات، مثل منبرها؛ این منبرها و تماس‌های با مردم خیلی مهم است. پس یک کار عبارت است از برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی در مدرسه، در دانشگاه، در مسجد، در مصلا‌ی نماز جمعه، در منبرهای تبلیغی؛ بخصوص، همین‌طور که عرض کردیم، در جاهایی که دایره‌ی وسیع‌تری دارد، مثل صداوسیما؛ یکی از وظایف عمده‌ی صداوسیما این است. یا آن کسانی که سخنان‌شان شنونده‌ی زیادی دارد، مثل خود این حقیر، مثل رئیس‌جمهور، مثل دیگران که مردم می‌شنوند سخنان اینها را -چهره‌های معروف دینی و علمی و سیاسی که می‌شنوند مردم حرف‌های اینها را، اینها بایستی اهداف مهم‌شان را متمرکز کنند روی همین تربیت‌های مذکور؛ برای اینکه اگر این تربیت‌ها انجام گرفت، آن وقت «وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» به وجود می‌آید، «الَّذِينَ اتَّقَوْا» به وجود می‌آید و از این قبیل، و دنبالش «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» به وجود می‌آید؛ یعنی قطعاً معیت الهی حاصل خواهد شد؛ دیگر هیچ جای خوف و حزنی وجود ندارد. خب ما امروز با یک جبهه‌ی عظیم سیاسی و مالی و اقتصادی و نظامی و امنیتی و مانند اینها مواجهیم؛ تقریباً همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا علیه ما دارند حرف می‌زنند و کار میکنند؛ دستگاه‌های مالی وابسته‌ی به صهیونیست‌ها و وابسته‌ی به آمریکا و مستکبرین علیه ما دارند کار میکنند؛ همه‌ی آنها دارند کار میکنند. البته ما بحمدالله ایستاده‌ایم؛ این ایستادگی هم به برکت همان تقوا و ایمانی بوده است که در قشر عظیمی از مردم ما بحمدالله وجود دارد، یعنی همین جوانها و همین



فداکاری‌ها و همین «حجی»‌ها (۲۳) و امثال اینها؛ اینها را دست‌کم نگیرید، اینها خیلی مهم‌ند؛ همینها هستند که نگه داشته‌اند پایه‌های این نظام را و معیت الهی را برای ما تا حدود زیادی تأمین کرده‌اند.

اگر بخواهیم این کامل بشود، بایستی این دایره را وسعت بدهیم، بایستی روی این مسائل کار بکنیم؛ یکی کار تبلیغی و برنامه‌ریزی تبلیغی است. اشخاص شماها، تقریباً همه‌ی شما آقایان، در شهرهای خودتان، در مراکز محلّ توجه هستید؛ یا امام‌جمعه هستید یا گوینده‌ی دینی هستید یا معلم هستید، استاد هستید - بعضی در دانشگاه، بعضی در حوزه - و در جاهای مختلف میدان دارید و امکان دارید برای حرف زدن، برای کار کردن، برای تربیت کردن؛ آدمهای کنارنشته‌ای نیستید، میدان دارید؛ این مورد سؤال پروردگار قرار خواهد گرفت؛ یعنی این امکانی است که خدای متعال از کیفیت به کار رفتن این امکان سؤال خواهد کرد از ما؛ و استعملی‌یما تسئلی غداً عنه؛ (۲۴) این از آن قبیل چیزها است. بنابراین پس یک کار این است.

یک کار دیگر که آن هم از لحاظ اهمیت از این تبلیغ اگر مهم‌تر نباشد - که به گمان ما مهم‌تر هم هست - کمتر نیست، عمل خود ما است؛ نه عملی که حتماً جلوی چشم مردم باشد؛ نه، عمل درست ما تأثیرش را میبخشد؛ ترک گناه، ترک دنیاپرستی، ترک اشرافی‌گری، کار سخت، کار کوشنده. وقتی ما با خدا باشیم، خدای متعال تأثیر میدهد به حرف ما، به اقدام ما. مردم هم که به ما نگاه میکنند و تناقضی میان گفته و کردار ما مشاهده نمیکنند، ایمانشان قوی میشود و به این راه می‌آیند، در این راه حرکت میکنند. به گمان بنده یکی از علل موفقیت معجزه‌آسای امام بزرگوار این بود که خودش عامل بود، متدین بود، به قیامت - به معنای واقعی کلمه - اعتقاد داشت و پای این ایمان و این اعتقاد خود در عمل ایستاده بود و انصافاً پاکیزه بود امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه)؛ این تأثیر داشت؛ [البته] بعضی ممکن است این پاکیزگی را بدانند، بعضی هم ندانند اما تأثیر میکند. پس بنابراین وظیفه‌ی مهم ما، هم [به عنوان] مسئولین اداری و دولتی و موظفین در بخشهای مختلف نظام، و هم به عنوان علمای دین، این است که از طریق زبان و عمل، مردم را به سوی تقوا و به سوی احسان و به سوی صبر و به سوی پاکیزگی و مانند اینها حرکت بدهیم. بعد، اگر چنانچه این [طور] شد و خدای متعال را همراه خودمان دانستیم، نتیجه‌اش این میشود که در مواجهه‌ی با قدرتها، شجاعانه حرکت میکنیم. البته بایستی در مواجهه‌ی با قدرتها - خود این هم یکی از بخشهای تقوا است - هم شجاعانه، هم هوشمندانه، هم با کاربلدی، دشمن را در میدان سیاست مغلوب کنیم؛ این جزو کارهای اصلی و قطعی ما است.

بحمدالله امروز نسل خوبی هستند. اینکه من عرض میکنم، شعار نیست، با اطلاع عرض میکنم. یک نسل جدیدی، یک رویش جدیدی در کشور به وجود آمده؛ مخصوص یک جای خاص هم نیست، مخصوص یک بخش خاص فکری و عملی هم نیست؛ در بخشهای فرهنگی، در بخشهای تبلیغی، در بخشهای هنری، در بخشهای علمی، در بخشهای فلسفی، یک مجموعه‌ی عظیمی از جوانها به وجود آمده‌اند که اینها به معنای واقعی کلمه مؤمن بالله و مؤمن به این راهند؛ با اینکه امام را ندیده‌اند؛ دوران جنگ را - که خیلی سازنده و مؤثر بود - درک نکرده‌اند؛ همین نشان‌دهنده‌ی علوّ درجه‌ی ایمان اینها است که با اینکه آنها را ندیده‌اند، در عین حال با این اصرار، با این استحکام، با این علاقه‌مندی دنبال این راه هستند. این نسل، نسل خوبی است، نسل امیدبخشی است. و حالا دشمن به پیری ماها چشم طمع دوخته. می‌نشینند محاسبه میکنند؛ می‌گویند اینها پیرند؛ رهبر این جوری است و دیگری این جوری است و همه‌ی مجموعه‌ی ماها را [پیر میدانند]؛ نمیدانند که خب در زیر این ظاهر پیر، یک حرکت جوانانه‌ای بحمدالله در این کشور وجود دارد که دارند حرکت میکنند، دارند تلاش میکنند، دارند کار میکنند، و ان شاءالله تمام کارهای بزرگ و مهم، با همت جوانانه‌ی آنها و با درک و هوشمندی آنها به نتایج خواهد رسید.

هرچه می‌گذرد، اعتقاد بنده بیشتر میشود به اینکه ان شاءالله فردای این کشور از امروز این کشور بمراتب بهتر خواهد



بود و انقلاب پیشتر خواهد رفت. البته مشکلات داریم؛ بلکه میدانیم این مشکلاتی را که آقایان در سخنرانی‌ها [میگویند] - که گزارش مطالب آقایان را به من دادند؛ بنده هم با اغلب آنچه آقایان بیان کردید موافقم و مطلعم از آنچه ذکر کردید از شهرهای مختلف و استانهای مختلفی که با آنها ارتباط دارید؛ مشکلات مردم، مشکلات معیشتی و شکایاتی را که مردم دارند میدانیم - لکن به نظر ما همه‌ی اینها قابل حل و قابل رفع است. ان شاء الله در چند روز آینده ما صحبت‌هایی با مردم خواهیم داشت و شاید بیشتر در این زمینه صحبت کنیم. مشکل لاینحلی ما در کشور نداریم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱. پس از توصیه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مجلس خبرگان در دیدار ۱۳۹۶/۶/۳۰ در خصوص تشکیل هیئت اندیشه‌ورز در این مجلس، این مطلب در مجلس خبرگان مورد بررسی قرار گرفت و در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳ پس از تصویب یک طرح دوفوریتی، «هیئت اندیشه‌ورز خبرگان» تشکیل و ده نفر از اعضای این مجلس نیز به‌عنوان اعضای این هیئت انتخاب شدند.
۲. آیت الله نصرالله شاه‌آبادی ( نماینده‌ی مردم استان تهران در مجلس خبرگان رهبری) در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ دار فانی را وداع گفت.
۳. سوره‌ی انعام، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا میکنند؛ و اگر پروردگار تو میخواست چنین نمیکردند. پس آنان را با آنچه به دروغ میسازند واگذار. و [چنین مقرر شده است] تا دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد، و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند.»
۴. بخشها، افراد
۵. شنیدن، گوش دادن
۶. نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۷
۷. سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاری‌تان میکند...»
۸. سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»
۹. از جمله سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸؛ «... و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»
۱۰. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... که خدا با ما است...»
۱۱. سوره‌ی شعرا، آیات ۱۵ و ۱۶؛ «و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و می‌ترسم مرا بکشند. فرمود: "نه، چنین نیست؛ نشانه‌های ما را [برای آنان] ببرید که ما با شما شنونده‌ایم."»
۱۲. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۶ و بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «... ما می‌ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. فرمود: مترسید، من همراه شمایم، می‌شنوم و میبینم.»
۱۳. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۳۵؛ «پس سستی نوزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شما است و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست.»
۱۴. سوره‌ی شعرا، آیات ۶۱ و ۶۲؛ «چون دو گروه، همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: "ما قطعاً گرفتار خواهیم شد." گفت: "چنین نیست، زیرا پروردگارم با من است و بزودی مرا راهنمایی خواهد کرد."»
۱۵. سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد؛ هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود، آنگاه که در غار [ثور] بودند، وقتی به همراه خود میگفت "اندوه مدار که خدا با ما است."...»
۱۶. از جمله سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۶۲؛ «... در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت.»
۱۷. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۲۸؛ «درحقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته‌اند و [با] کسانی [است] که آنها





نیکوکارند.»

۱۸. از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۳؛ «... خدا با شکیبایان است.»
۱۹. از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۴۹؛ «... و خداوند با شکیبایان است.»
۲۰. از جمله سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «... خدا با پرهیزکاران است.»
۲۱. سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۱۹؛ «... خدا است که با مؤمنان است.»
۲۲. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۹۶؛ «... درحقیقت، خدا با نیکوکاران است.»
۲۳. شهید محسن حججی
۲۴. صحیفه‌ی سجّادیّه؛ دعای ۲۰